

[سید محمد رضا حسینی جلالی]

مائة کلمة، انتخابی از کلمات قصار امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که جاحظ بر اساس ادای نیکو، ژرفای معنا، زیبایی اسلوب و اثرگذاری در جان، در کنار ایجاز و روانی برگزیده است. این رساله بارها منتشر شده؛ از جمله: چاپ ۱۴۳۱ که با تحقیق استاد سید محمد رضا حسینی جلالی انجام شده است. آقای جلالی در مقدمه این نسخه، گفتاری آورده که گزارشی از آن در پی می‌آید:

۱- جاحظ کیست؟

عمرو بن بحر بن محبوب کنانی. چنین ملقب شد چون جدش باربر یکی از بنی کنانه در بصره بود که زادگاه و مسکن او بود. تولد او را سال ۱۶۰ دانسته‌اند. وی به سال ۲۵۵ درگذشت. در مدارس بصره درس آموخت: لغت و ادب از اصمعی و ابو عبیده، نحو از اخفش، حدیث از حجاج بن محمد، فقه از ابو یوسف یار ابو حنیفه، و کلام از نظام. بدین سبب به معتزله منسوب است، که در آن گرایش خاص داشت.

به کودکان درس داد. بین بغداد و بصره در سفر بود. به ادبیات مشغول شد و در نقد تخصص یافت. با حاکمان، وزیران و امیران و حتی خلفا پیوند گرفت. آثار او - به دلیل شیوه خاص نگارش - ماندگار شد. در موضوعات مختلف نوشت و گاهی گرفتار تناقض شد.^۱

نوشته‌های او برگزیده مطالعات اوست، از اشعار شعرای جاهلی و ادبا و شاعران مسلمان، و در پیشاپیش آنها امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) که اثر کلمات حضرتش در نوشته‌های جاحظ نمایان است؛ گرچه گاهی جاحظ از روی عمد یا سهو یا نسیان آنها را به خود نسبت داده، به هر

۱. منابع شرح حال جاحظ (به ترتیب زمان):

- تأویل مختلف الحدیث از ابن قتیبہ دینوری، محمد بن مسلم (م ۲۷۶)، ص ۵۹ - ۶۰.
- فرق و طبقات المعتزله از قاضی عبد الجبار (م ۴۱۵)، ص ۲۱۶ - ۲۱۷.
- الأمالی از سید مرتضی، علی بن الحسین الشریف (م ۴۳۶)، ۱/ ۹۴ - ۹۹.
- تاریخ بغداد از خطیب بغدادی، احمد بن ثابت (م ۴۶۳)، ۱۲/ ۲۱۲ - ۲۲۰.
- تاریخ دمشق از ابن عساکر، علی بن الحسن (م ۵۷۱)، ۴۸/ ۲۹۴. طبع عاشور.
- معجم الأدباء از یاقوت حموی (م ۶۲۶)، ۶/ ۵۶ - ۸۰.
- سیر اعلام النبلاء از ذهبی، ۱۱/ ۵۲۶.
- لسان المیزان از ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲)، ۴/ ۳۵۵.

حال کلام امام، امام کلام است و در میان سخنان دیگر، کاملاً بارز و هویداست، روح مقدس علوی از آن تالُلُ دارد و می‌درخشد، تا آنجا که جاحظ بارها به این واقعیت اعتراف کرده است. از جمله آثار این درخشش، گزینش صد کلمه است که جاحظ هر کلمه‌ای از اینها را با هزار کلمه از کلمات نیکوی عرب برابر می‌داند، کلماتی که هرگز از دیگری نشنیده‌اند. خواهیم گفت که این کلمات در میان کتابها و یادداشتهای جاحظ پراکنده بوده است. پس ناگزیر باید فرد متتبع در میان میراث فرهنگی جاحظ آن را بجوید، و گرنه گرفتار تحریف و نقصان می‌شود. نیز باید دانست که زیبایی‌های علوی در نوشته‌های جاحظ، منحصر به این کلمات نیست، بلکه بیش از آن است که با جستجو به دست می‌آید.

۲- نسبت و اعتبار کتاب

۱- ۲- احمد بن حمید محلی شهید زیدی (۵۸۲ - قتل ۶۵۲) گوید:

از کتاب جلاء الأبصار نوشته حاکم جُشمی شهید ۴۹۵ به اسناد او از ابی الفضل احمد بن ابی طاهر^۱ یار نزدیک ابو عثمان جاحظ روایت کرده‌اند که گوید: روزی جاحظ به ما گفت: «امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صد کلمه دارد که هر کلمه از آنها با هزار کلمه از نیکوترین کلمات عرب برابری می‌کند [که هرگز از کسی شنیده نشده است]».

مدتی مدید از او می‌خواستیم که آن کلمات را گرد آورد و بر من املا کند، اما به من وعده می‌داد و تغافل می‌کرد. در اواخر عمر، روزی بخشی از مسوّدۀ نوشتارهای خود را به من نشان داد، که این کلمات را از آن میان گرد آورد، به خط خودش به من داد، [و مرا به حفظ آن سفارش کرد]^۲، که

۱. احمد بن طیفور، ابو طاهر کاتب خراسانی مرورودی بغدادی (۲۰۴-۲۸۰) که خطیب در تاریخ بغداد (۲۱۱/۴) شرح حالش را آورده است.

به او- یا پسرش فضل- کتاب کنز الحکمة را نسبت داده‌اند که شرح مائة کلمة جاحظ است. نسخه‌ای از آن موجود است که محقق طباطبایی در کتاب اهل البيت فی المکتبة العربیة (ص ۴۳۵، رقم ۶۲۰) یاد کرده است.

۲. این جمله، از اسرار البلاغه افزوده شده است.

۳. این جمله نیز از اسرار البلاغه افزوده شده است.

این صد کلمه است.^۱

۲-۲. خطیب خوارزمی، ابوالموفق بن احمد (۴۸۴ - ۵۶۸) در کتاب مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام) سند این صد کلمه را چنین آورده است:

أخبرنا الفقيه أبو سعيد، الفضل بن محمد الأسترآبادی، حدّثنا أبو غالب، الحسن بن علی بن القاسم؛ حدّثنا أبو علی، الحسن بن أحمد الجهمیّ بعسکر مکرم^۲؛ حدّثنی أبو أحمد، الحسن بن عبدالله بن سعید العسکری^۳؛ حدّثنا أبو بکر محمد بن الحسن بن دری؛ قال: قال ابو الفضل، احمد بن ابی طاهر^۴

۲-۳. ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶) به نقل از استادش جاحظ، آن را در کتاب خود، عیون الاخبار، آورده است.^۵

۲-۴. شیخ بهایی (م ۱۰۳۰) از محمد بن مفتاح به سند خود از جاحظ متن رساله را نقل کرده و مقدمه پیش گفته را آورده است.^۶

۲-۵. ثعالبی در الإعجاز والإیجاز، صد کلمه را به طور مرسل آورده است.^۷

۲-۶. ابن میثم بحرانی که شرح بر این کلمات نوشته، می‌نویسد:

از جمله حکمت‌های رسا و خورشیدهای تابان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، صد کلمه از حکمت‌های لطیف آن گرامی است که ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ از کلمات حضرتش برگزیده است. در اینجا فضیلت علم و ادب گرد آمده است. جاحظ خود در مورد آنها گوید که هر کلمه آنها با هزار کلمه از نیکوترین سخنان عرب برابری می‌کند. آن را که اختصاص داده، نه به

۱. این مقدمه را محلی در کتاب الحدائق الوردیة (ص ۶۴-۶۶)، از نسخه عکسی به تاریخ ۱۰۷۷- که نزد ما موجود است - آورده است.

۲. عسکر مکرم، ناحیه‌ای در خوزستان فعلی بوده است. (مترجم)

۳. عسکری، در اینجا یعنی منسوب به عسکر مکرم، نه سامرا (مترجم)

۴. مناقب امیرالمؤمنین (علیه السلام) ص ۲۷۰، طبع نجف: المكتبة الحیدریة.

۵. بنگرید: اهل البیت فی المكتبة العربیة، ص ۴۴۰.

۶. اسرار البلاغة، ص ۸۸، تحقیق محمد التونجی، چاپ ریزنی فرهنگی ایران در دمشق.

۷. الإعجاز والإیجاز، ص ۲۸، چاپ عکسی دار الغصون، بیروت، ۱۴۰۵.

جهت مزید جلاله، بلکه به دلیل همراهیِ ایجاز با روانی است.^۱

۷-۲- در پایان آنچه از اسرار البلاغه آورده، می‌نویسد: «به حمد و یاری خدا، این کلمات در مکه مشرفه، به تاریخ ششم صفر سال ۸۵۳ هجری به پایان رسید».^۲

من در تحقیق نص رساله جاحظ به تمام نسخه‌های چاپ شده - مانند نسخه بحرانی، بهائی، ثعالبی و خوارزمی - اعتماد کردم. همچنین به دو نسخه خطی رجوع کردم: یکی نسخه کتاب الحدائق الوردیه، تاریخ ۱۰۷۷؛ دیگر نسخه عکسی در مجموعه‌ای به خط آوی به تاریخ ۷۰۸، که نشر الالکی نیز در آن مجموعه است.

۱. شرح مائة کلمه، ص ۲.

۲. این رساله، به تصحیح دکتر سید محمد علی حسینی در مجله رهنمون (نشریه مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ششم، پاییز ۱۳۷۲ شمسی، ص ۴-۲۰) منتشر شده که تحقیق مناسبی است.

نیز تمام این رساله را ابوالمجد تبریزی شافعی (۸ محرم سال ۷۲۳) در سفینه تبریز - که شامل ۲۰۹ رساله است - ص ۹۹ و ۱۰۰ (چاپ عکسی کتابخانه مجلس و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱) آورده است (مترجم).